

پیام نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران

اسلامی نه تنها توانستند به هیچیک از وعده هایشان پیرامون بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی کشور عمل کنند، بلکه در عمل با ادامه سیاست های ضد ایرانی و شدیداً ارتجاعی خود زندگی را برای اکثریت محروم و زحمتکش میهن دشوارتر کردند.

گرانی طاق فرسا، کمبود شدید ارزاق عمومی، صف های طولانی برای تهیه نان، گوشت، ... بیکاری میلیون ها انسان، گسترش فقر و احتیاد، اختناق و ترور حکومتی، تنها گوشه ای از فاجعه ای است که حاکمان کنونی برای مردم کشور ما بهار آورده اند.

تمیق بحران اقتصادی - اجتماعی کشور ادامه در ص ۲

کمیته مرکزی حزب توده ایران فرارسیدن نوروز باستانی، جشن بهاران این سنت دیر پای نیاکان را به همه زحمتکشان کشور که سالی پر رنج و دشوار را پشت سر گذاردند، و به همه کسانی که آرزوی بهار آزادی، بهار زندگی انسانی و رستاخیز آینده ساز اجتماعی و نوروز پر شکوه پیروزی خلق را در دل دارند، صمیمانه فادپاش می گوید و امیدوار است که دیری نپاید تا آفتاب آزادی و عدالت ابرهای استبداد و ظلم را کنار زده و میهن ما دیگر باره از خطر گل های بهاری و آرای دلپذیر پرندگان آزادی و صلح سر خار شود.

سال ۱۳۷۰، سالی که برای مردم کشور ما با انبوهی از دشواری های اجتماعی و سیاسی همراه بود، سپری شد. سران حکومت جمهوری



شماره ۳۷۲، دوره هفتم، سال هفتم، ۲۷ اسفند ۱۳۷۰

نیز همچنان ادامه یافته است. به عبارت دیگر در حالیکه سطح تولید کشور در حد ۱۴ سال قبل در جا می زند، جمعیت کشور در همین مدت از ۲۵ میلیون به حدود ۵۶ میلیون نفر افزایش یافته است.

بر اساس برآورد کارشناسان اقتصادی و آماری که در اطلاعات سیاسی - اقتصادی انتشار یافته است، در این سالها بیکاری آشکار و نهان حدود ۴۲٪ کل نیروی کار کشور را در بر می گرفته است. مثلاً در سال ۱۳۶۷ تنها حدود ۷ - ۸ میلیون نفر از اشتغال واقعی برخوردار بوده اند. اگر این آمار را در کنار آمار کسانی که بر اساس استانداردهای موجود در جمهوری اسلامی زیر خط فقر زندگی می کنند (خانواده های شهری بر اساس ۶۰۰ هزار ریال در آمد سالانه و خانواده های روستایی بر اساس ۴۸۰ هزار ریال درآمد سرانه) یعنی حدود ۲۲ میلیون نفر از جمعیت کشور قرار دهیم، تصویر اسفناک و فاجعه بار کنونی که زاینده سیاست های صیقا ارتجاعی و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی است پیش از پیش، مشخص می گردد.

اوضاع اقتصادی مملکت آنقدر خراب است که حتی رفسنجانی ناچار به اعتراف به آن است. وی در نماز جمعه تیر ماه ۱۳۷۰ می گوید: "هرکجا دست بگذارید نظیر این مشکلات است... هم اکنون فقر ادامه در ص ۴ و ۵"

بررسی کوتاهی از

رویدادهای ایران در سالی که گذشت

سال ۱۳۷۰ با همه دشواری های اجتماعی - اقتصادی برای مردم کشور ما، به پایان رسید. آغاز سال ۱۳۷۱ با یکی از حساس ترین و حادثه ترین دوران حکومت رژیم جمهوری اسلامی مصادف است. از اینرو ارزیابی رویدادهای سالی که گذشت و ارتباط تنگاتنگ آن با تحولاتی که هم اکنون در کشور رخ می دهد برای یافتن تصویر دقیقی از روند تحولات ضروری می باشد.

اوضاع اقتصادی کشور

سال ۱۳۷۰ علیرغم وعده های مختلف حاکمان جمهوری اسلامی سال تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی در کشور بود. کمبود شدید ارزاق عمومی، نفت، برق، آب، راه نیتادن بخش عمده ای از صنایع و ناتوانی جدی حکومت در باز سازی اقتصادی سبب گردید که وخامت اوضاع اقتصادی - اجتماعی کشور نسبت به سال های پیش تشدید گردد. شاخص های عمده اقتصادی کشور، از جمله رشد تورم و بیکاری و عدم تغییر کیفی در سطح تولید ملی نشانگر بحران صمیقی است که تأثیر مستقیم آن تنزل شدید سطح زندگی میلیون ها انسان است. حتی آمار و ارقام ذیل، ارائه شده از طرف سران رژیم جمهوری اسلامی نیز بر وخامت اوضاع کنونی به شکل روشنی صحه می گذارد.

این آمار و ارقام با زبانی گویا حکایت از آن دارند که تولید ناخالص ملی کشور در سال ۶۷، حدود ۲۹۶۰ میلیارد ریال بر آورد شده است که این رقم معادل تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۵۲ می باشد. مهندس نیلی، معاون سازمان برنامه و بودجه کشور نیز امسال اعلام کرد که تولید ناخالص ملی در سال ۶۸ نیز بر پایه قیمت های ثابت سال ۶۱ به حدود تولید سال ۵۴ رسیده است. این وضع اسف انگیز در سال های ۶۹ و ۷۰

در دیگر صفحات:

عصیان زنان علیه "حجاب" و "متعه" ص ۳

"انترناسیونالیسم اسلامی" چه زود به بن بست رسید! ص ۶

حدود و ثغور اسلام ص ۷

جمهوری های سابق شوروی در آسیای میانه به کجا خواهند رفت؟

زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!



ژست جمهوری اسلامی

چند روزی پس از انتخاب به عنوان "معاون کمیسیون حقوق بشر"

یزدی در خطبه های نماز جمعه
خطاب به مقامات الجزایری،

"دموکراسی و آزادی انحصاری نیست، آراه مردم مورد احترام است. اگر همین دموکراسی و آزادی و رای منجر به نتیجه ای بشود که خلاف نظر شماست، نباید به اصولی که خود مدعی پایبندی به آن هستید، پشت کنید... در کارهای سیاسی بیشتر واقع بین باشید، حقایق را بیشتر به مردم مسلمان کشورتان بگوئید و به اعتقادات و آراه آنها احترام بگذارید... برخورد خشن با حقایق و آراه مردم تجربه شده است و هواب درستی ندارد."

عضو شایسته ای می تواند باشد!

با همین توهم درباره پایبندی عمال "ولایت" به اسلام است که "مآینده" سندج به شکوه می گوید! سازمان محترم حج و زیارت هم در سال گذشته از دو شهر بیجار و قروه قط یک کاروان به مکه معظمه فرستاده است، آن هم رئیس و معاون کاروان را از کاشان انتخاب کرده اند. باز هم سوال می کند: "آیا در این دو شهر دو نفر مسلمان و مدیر پیدا نمی شد که باید رئیس کاروان حج را هم از شهرستانهای دیگری فرستاد؟ وی هم چنین درباره حیف و میل ها و بی نظمی هایی که در "دانشگاه آزاد کردستان جیران دارا" به گونه ای گذرا اشاره می کند و می گوید: "دانشگاه آزاد کردستان از شهریه های کلانی که از دانشجویان گرفته می شود در جهت بالابردن سطح فرهنگی و مالی دانشجویان استفاده کند، نه اینکه خدای ناکرده بین مسوولان تقسیم یا خرج کارهای بیهوده شود."

مساله بودجه نویسی و تبیض در تنظیم بودجه کردستان، که در آن به مسایل مشکلات استان توجه نمی شود، بخش دیگری از سخنان این "مآینده" است! متأسفانه بودجه اسامال کردستان بازم مانند بودجه های سالها گذشته از تبیض چشمگیری برخوردار است! به عنوان مثال می افزاید: "کردستان از لحاظ بیسوادی دومین استان ایران است ولی در بودجه آموزش و پرورش اصلاً به این موضوع توجه نشده و بودجه تخصیص داده شده جواب نیا استان را نمی دهد."

سخنان آقای "زین گل" با این عبارات پایا می پذیرد: "حتی در صدا و سیما جمهوری اسلامی هم این یک بام و دو هوا وجود دارد!"

کردستان در آتش ستم ملی

و تبعیض قومی می سوزد

سراغجام "مآینده" سندج، آقای "مرتضی زین گل" در مجلس زبان گشود و در نطق پیش از دستور خود حقایق را از ستم ملی و تبعیض قومی که به خلق زحمتکش و ستمدیده گرد روا می شود، بیان کرد. هر چند او در جوی از تلقی و چاپلوسی که سراسر - بل سراسر قلمرو "ولایت قتیبه" - را فرا گرفته است خود را ناچار دید در جایی از سخنان خود، بدون هیچگونه ربط منطقی، به "رافت و عفو جمهوری اسلامی" اشاره کند، با این همه گفته های او بخشی از واقعیت تلخ و دردناک زندگی توده گرد را بازتاب می دهد.

حقیقت این است که آنچه طی روزگاران بر مردم محروم و ستمدیده گرد گذشته و اکنون در حاکمیت جمهوری اسلامی بدتر و دردناکتر از هر زمان می گذرد، با هیچ گفتار و نوشتار بیان نمی شود. در حاکمیت "اسلامی" باید گرد بافی تا پدانی ستم ملی و تبعیض قومی آن چنانکه بر مردم زحمتکش و با استعداد و میهن دوست و با فرهنگ کردستان روا می شود، یعنی چه؟ باید اهل و ساکن آن دیار بافی تا پدانی آن تحمیلات خامسوز ملی و قومی، که اضافه بر همه انواع تحمیلات قهاستی، سراسر وجود انسان را می سوزاند و خاکستر می کند، چگونه است؟

آقای "زین گل" به بخشی از این حقایق به گونه ای گذرا اشاره کرد. او در سخنان خود از روند به اصطلاح "پاکسازی" کردستان - و در واقع جریان فراگیر و بی لگام بیکار کردن و اخراج و تحت پیگرد قرار دادن انبوه جوانان گرد و برپزه قلع و قمع فرهنگیان و کارمندان - یاد کرد و از جمله گفت: "متأسفانه از دیدگاه بعضی از افراد که به خیال خود برای سروسامان دادن به کردستان تشریف آورده بودند، گرد بودن جرم محسوب می شد و بدون توجه به مسایل و مصایب کردستان دست به پاکسازی و قلع و قمع زدند، حتی تقریباً در دانشگاهها به روی جوانان گرد بسته بود. گاهی چنانچه از شکل و قیافه بعضی از افراد خوششان نمی آمد با عنوان ضدانقلاب آنها را پاکسازی می کردند. البته بعد از سالها زحمت و تلاش افرادی دلسوز، بعضی از این افراد توانستند به سرکار خود باز گردند. ولی متأسفانه هنوز تعداد کثیری هستند که چشم امید به رافت و عفو اسلامی دوخته اند." "مآینده" سندج معلوم نکرد که با همه جنایات و درنده خویی های این سیزده ساله چگونه می توان به "رافت و عفو جمهوری اسلامی" چشم دوخت و اصولاً "رافت و عفو" پسوند "اسلامی" داشته باشد، چگونه توجیه می شود؟ زخم چرکین و خون آورد "گزنیش"، صرفنظر از عوامل دیگر سرکوب، پس از

سالها دراز هنوز به گونه ای است که درمان دردهای دیربهای ستمدیدگان گرد را ناممکن ساخته است. دست اندرکاران کینه توز "ولایت قتیبه" به منظور زجر دادن هرچه بیشتر جوانان گرد و به زانو درآوردن آنان هنوز دستاویز "گزنیش" را رها نکرده اند. "مآینده" سندج قاعدتاً باید بداند که اولیای "ولایت قتیبه" از بدعتی به نام "گزنیش" برای تداوم فشار و سرکوب مردم گرد و غیرگرد بهره برداری کرده و می کنند. او به جای آن که این حاملان ظلم و سرکوب را به زهر سوال کشد و استفاده ناجواگردانه از این حریره را محکوم و مردود اعلام کند با عباراتی نرم و آهستی جویانه از زمامداران می خواهد که به مشکلات "گزنیش" رسیدگی کنند. بدین مناسبت او از "رهبر معظم انقلاب" می خواهد "دستور فرمایند افرادی دلسوز و صالح، به مشکلات گزنیش رسیدگی نمایند و کمتر از نیروهای غیر هومی استفاده شود، چون خودمان تعداد زیادی جوان مسلمان و دردآشنای بیکار داریم!"

در کردستان، در ادارات، سازمانها و نهادها افراد هومی بکار گرفته نمی شوند. از استمدادها و نیروها و خلوص نیت انسانهای پاکدل و کاردان و دلسوز استفاده نمی شود. حکومت مرکزی هیچ گردی را چه در سرزمین کردستان و چه در خارج از آن، برای احراز پست های مدیریت نمی پذیرد. این تبعیض ناجواگردانه و انتقامجویانه دل هر گردی را به درد می آورد، "مآینده" سندج در این رابطه از "رئیس جمهور محترم" تقاضا می کند "دستور فرمایند از نیروی مخلص و مسلمان گرد در مدیریت ها استفاده نمایند" و با تأکید می افزاید: "حقیقتاً افراد دلسوز و مخلص در کردستان هستند که از وزرای کنونی دولت هم قوی تر می باشند."

"مآینده" سندج از این که اولیای "ولایت" در کردستان و در میان نیروهای هومی کسی را حتی به "مسلمانی" نمی شناسد به سختی احساس ناامنی می کند و از این روست که با تلخی چنین می گوید: "عدم استفاده از نیروهای هومی حتی به شورای محترم نکهبان هم سرایت نموده و متأسفانه از پنج نفر بازرسان شورای نکهبان جهت انتخابات دوره چهارم مجلس یک نفر هومی و بقیه غیر هومی می باشند"

و می پرسد: "آیا در سراسر کردستان پنج نفر مسلمان پیدا نمی شود که باید از افراد غیرهومی استفاده شود؟" گوی "مآینده" سندج هنوز نمی داند که در کار "شورای نکهبان" مساله مسلمان بودن یا نبودن عملاً تقشی ندارد. هرگاه "شیطان" هم طوق عبودیت "مقام معظم ولایت مطلقه" را به گردن بیندکند، در شرایط مساوی برای شورای نکهبان ارجحاً و استبداد

پیام نرورزی ...

و اعتراف صریح سرمداران رژیم به وخامت اوضاع از یک سو و اوج گیری ناراضی‌های عمومی، که در تظاهرات های پراکنده و اعتصابات کارگری تبلور یافته است از سوی دیگر نشانگر آغاز تحولات جدی می باشد که در بطن جامعه ما در حال شکل گرفتن است.

تشدید بر خوردها در درون حاکمیت جمهوری اسلامی و زیر علامت سؤال رفتن حکومت "ولایت مطلقه فقیه" از طرف بخش عمده ای از نیروهای مذهبی پایه های حکومت جمهوری اسلامی را بیش از هر زمان دیگر به لرزه در آورده است.

حزب توده ایران همواره معتقد بوده است در شرایطی که یک حکومت ضد دموکراتیک بر مبنی ما حکومت می کند هیچگونه تحول، بازسازی و پیشرفت جدی اجتماعی- اقتصادی، ممکن نیست.

نمی توان بازسازی کشور را در شرایطی آغاز کرد که عدم امنیت اجتماعی- اقتصادی و جو ترور و اختناق حاکم سبب گردیده است که بخش عمده ای از نیروهای متخصص به خارج از کشور مهاجرت کند و بخش دیگر نیز در درون کشور در دست نیروهای "متعهد" و غیر متخصص اسیر باشند.

برنامه باز سازی اقتصادی کشور که توسط دولت رفسنجانی ارائه شده بود بر اساس اعترافات خود رفسنجانی با شکست متضخانه ای روبرو گردیده است. بخش عمده ای از این برنامه بر اساس اصل دریاقت وام های کلان خارجی تنظیم گردیده بود، که به مرحله عمل در نیامد.

پیش بینی سطح استقراضی معادل ۶۲۲ میلیارد ریال در بودجه سال ۷۱، کاهش سقف ارزی بودجه کشور به مقدار ۲/۷ در صد، در مقایسه با بودجه سال گذشته، و تکیه عمده بودجه کشور به درآمد های نفتی و مالیاتی- در حالیکه قیمت نفت بخاطر بالا بودن تولید کشور های خلیج فارس همچنان سیر نزولی دارد، تصویر بسیار نگران کننده ای از آینده اقتصادی مملکت بدست می دهد.

حزب توده ایران معتقد است که هر گونه حرکت به جلو برای خروج جامعه از بن بست کنونی تنها با اتکا بر افکار عمومی، در چارچوب آزادی های دموکراتیک و پلورالیسم سیاسی و اقتصادی ممکن است. چنین شرایطی مسلماً مترادف خواهد بود با پایان رژیم "ولایت فقیه" و آغاز دوران نوینی در کشور ما. از این رو گسترش مبارزه برای تسریع بخشیدن به این روند به وظیفه عاجلی برای همه نیروهای تحول طلب و طرفدار دموکراسی بدل گردیده است. ما اطمینان داریم که این روند رو به رشد طومار این حکومت استبدادی را درهم خواهد پیچید و جامعه ما را از بن بست کنونی نجات خواهد داد. تجربه تاریخی نشان داده است که رشد ناراضی‌های مردم به همراه رشد تضادهای درونی

عصیان زنان علیه "حجاب" و "متعه"

اگر يك تار مویشان دیده شود به عنوان افشاح "فحشا" مورد توهین های زشت قرار گیرند و به جرم "بد حجابی" دستگیر و در صورت مقاومت در برابر زور گوئی و "ارشاد نشدن" و "تمهد دادن" تسلیم مقامات قضائی شوند.

و تازگیها به ابتکار رئیس جمهور می کوشند فحشای "هرمی" را هم تحت عنوان "ازدواج موقت" به آنان تحمیل کنند.

اما زنان گرانقدر ایرانی، پس از تحمل توهین ها و تحقیرهای متوالی سالهای تسلط "ولایت فقیه"، اینک جانانشان به لب رسیده و آغاز به ایستادگی جدی در برابر زورگوئیهای احمقانه کرده اند و دیگر نمی خواهند با آنان مانند کنیزان بی حقوق رفتار شود. "بدحجابی" که این روزها مظهر مقاومت زنان مبارز، علیه رژیم جهل و جنایت شده است روز به روز دامنه گسترده تری پیدا می کند.

مردان نیز که در خیابانها طلوع این خورشیدهای شجاع را می بینند، نفس راحتی می کشند و لحظاتی چند، خفتان محیط تیره و تاریک آخوندی فراموششان می شود و می پندارند که دوران حکومت "ولایت فقیه" دیگر به سر آمده است. اما چند روزی نمی گذرد که آخوندها دوباره نیروهای سپاه جهل را بسیج می کنند و به این زنان مبارز هجوم می آورند. هزاران زن در کوچه و خیابان دستگیر می شوند، مورد تحقیر و توهین های بیشرمانه واقع می شوند و بسیاری از آنان روانه زندانها می گردند. ولی مبارزه همچنان ادامه پیدا می کند و نفرت ناظران این صحنه های حماسی مقاومت پیوسته ژرفتر می شود و اعتراض ها افکال پرخاشجویانه تری بخود می گیرد.

دستگیر شدن ۲۴۲۳ زن "بد حجاب" فقط در عرض يك هفته و تحویل دادن ۹۷۶ تن از آنان به مقامات قضائی، ایماذ وسیع درگیری زنان با رژیم "ولایت فقیه" را نشان می دهد.

ادعاهای بی اساس کردن، آن را به دین اسلام بستن و خواهان قبول بی قيد و شرط فاسد شدن، و به هارت دیگر مردم را در مقابل دو راهی کفر و دین قرار دادن، یکی از شیوه های رایج فاشتاژ در جمهوری اسلامی است. هر کس این ادعاها را بپذیرد، به درویشی آشکار گردن نهاده و شخصیت خود را خورد کرده است و اگر هم نپذیرد با تکثیر مواجه می شود و دشمن اسلام و انجود می گردد!

مسئله حجاب و ازدواج موقت از زمره این فاشتاژهاست.

یکی از "استادان" طرح ادعای بی اساس، آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور است. او چندی پیش جملاتی نامفهوم و بی معنایی را پشت سر هم ردیف کرد و ایران را بهشت زنان دانست. نخست گفت: "زنان در جامعه اسلامی ایران جزء بهترین زنان در سطح جهان هستند، سپس افزود: "اسلام بهترین حقوق و قوانین را به زنان اختصاص داده است." و سرانجام با جمله "انقلاب اسلامی ایران تحولات مفیدی در جامعه زنان ایجاد کرده است" به درفشانی های خود پایان داد.

آقای رفسنجانی یکی از مبلغان ازدواج موقت (متعه) در جامعه است.

در مقابل این حرفها چه موضعی می توان گرفت که ضمن رد کردن این دروغهای آشکار "فحاشی"، متهم به جسارت نسبت به اسلام نشد؟

يك نکته مسلم است. زنان در جامعه اسلامی ایران برده و کنیز مرد و جزء بی حقوق ترین زنان در سطح جهان هستند. علاوه بر تمییز های موجود در مناسبات خانوادگی، رژیم هم هر جنایاتی را که بخواهد نسبت به آنان انجام می دهد، با توسری مجبورشان می کند "حجاب اسلامی" را رعایت کنند، در فصل تابستان فلوار کلفت بپوشند، در ماتوهائی به رنگ سیاه و تیره فرو روند،

يك حکومت نشانگر آغاز دوران کینیتا نوینی است که در آن امکان تحول و حرکت به جلو بیش از هر زمان دیگری موجود است.

هم میهنان!

حزب توده ایران در طی بیش از نیم قرن زندگی پر فراز و نشیب خود، در هم و اندوه و هادی همیشه در کنار شما و دوهادوش شما مبارزه کرده است و مصمانه به این پیکار ادامه خواهد داد. ما فرا رسیدن نوروز باستانی و خجسته بهاران را که همراه با مبارزه دشوارمان

پیام آور آزادی، رفاه و زیبایی فردای کشور ما است به همه شما و از جمله اعضا، هواداران و دوستان حزب صمیمانه تبریک می گوئیم و آرزوی تندرستی و پیروزی برای همه مبارزان راه آزادی و سربلندی کشورمان داریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۸ اسفند ماه ۱۳۷۰

بررسی کوتاهی از رویدادهای ...

وسمی از مردم زیر خط فقر زندگی می کنند... ما در این ۷-۸ سال راهپایان را مرمیت نکردیم که باید مبادرت به این امر بکنیم، بندرهایمان آسیب دیده که باید نسبت به اصلاح آن ها اقدام کنیم... نیروگاه نساختم، کم ساختیم و به تبع آن با خاموشی مواجهیم، سد نساختم که آب هاپان در حال هرز رفتن است... پالایشگاه نساختم که الان باید نفت وارد کنیم. برای شهرهای کشور فاضلاب نساختم که با تمامی آنها در این رابطه مشکل داریم، نتوانستیم آب به شهر ها برسانیم که بسیاری از شهرهای کشورمان در حال حاضر با مشکل کم آبی مواجهند... به کشاورزی به اندازه کافی بها نداده ایم، کشاورزان کصبود تراکتور و کمباین دارند... قالب های کارخانجات باید عوض بشوند در طول ۱۰ سال گذشته تمام اینها بطور راکد به سر می برند... مسئله مسکن عقب مانده... ما دوره سختی در پیش داریم".

روشن تر از این نمی توان به تخریب يك مملکت اعتراف کرد. کشور ما دارای امکانات عظیم مادی است و در صورتیکه بدرستی سازماندهی شود می تواند اقتصاد کشور را باز سازی کرده و وضع زندگی مردم را کفیتا بهبود ببخشد. ولی برنامه ریزی برای اینکار در شرایطی که استبداد حکومت می کند و کوچکترین انتقاد و یا نظر مخالفی اجازه بروز ندارد و در شرایطی که اکثریت رهبران درجه اول کشور کوچکترین تخصصی در امور اقتصادی ندارند اگر کاری شیر ممکن نباشد حداقل بسیار پدید و مشکل بنظر می رسد.

هدر رفتن امکانات عظیم مملکت و در آمد فروش نفت که تنها در ده سال گذشته بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار تخصیص زده می شود امکان باز سازی کشور را به شکل جدی زیر علامت سوال برده است.

ادامه سیاست های مورد نظر بورژوازی انگلی و بوروکراتیک در ایران که کوچکترین حلاله ای به کار تولیدی و نوسازی صنایع کشور ندارد و اتکاء عمده درآمد کشور به در آمد نفت تصویر نگران کننده و مبهمی را از آینده کشور نقش می زند.

به عنوان نمونه صادرات شیر نفتی کشور در طول سال های گذشته مرتباً کاهش چشمگیر یافته است. بنا به اعتراف وزیر صنایع سنگین در حالیکه دولت جمهوری اسلامی برای سال ۶۹ پیش بینی دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار در آمد ارزی کرده بود این رقم حتی به يك میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار نیز نرسیده است. بر اساس گفته الوهیری، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نیز در آمد ارزی سال گذشته میلیی نزدیک به ۱۸۰ میلیون دلار پیش بینی

می شود.

عدم تحرك در بخش تولیدی اقتصاد کشور یکی از علل عمده بیکاری وسمی است که در طول دو سال گذشته ۲۰٪ جمعیت کل کشورمان را تشکیل داده است. سال گذشته معاون وزارت کار تعداد بیکاران کشور را حدود ۲ میلیون نفر تخمین زد. به گفته سایر مقامات مملکتی و کارشناسان اقتصادی این رقم حدود ۵ میلیون نفر است. برای رفع این مضل عظیم اجتماعی به گفته همین آقای معاون وزیر در ۲۰ سال آینده می بایستی ۶۰۰ هزار واحد صنعتی برای اشتغال بیکاران ایجاد گردد.

آمار و ارقام ارائه شده به روشنی نشان می دهد که رژیم در سال گذشته نیز گام موثری در جهت تامین پرون رفت جامعه از بحران اقتصادی - اجتماعی و نیز فقر و تنگدستی برداشته است. همه کارشناسان اقتصادی مترقی ایران، با وجود اختلاف نظرهای سیاسی معتقدند که ایران نیاز به تغییر بنیادین ساختار صنعتی دارد. این امر تنها از راه صحیح سرمایه گذاری از درآمد ملی، هدایت صحیح آن و دگرگون ساختن مدیریت اقتصادی در جامعه امکان پذیر است. رسیدن به این هدف ملی نیاز به نیروی انسانی، تکنولوژیست های ماهر و نوآور، مدیران خبره و مهندسان طراح و با ابتکار، تکنسین ها و کارگران ماهر، موسسات پژوهشی و مجهز در کنار کارگاه های صنعتی پیشرفته دارد.

تجربه سال های اخیر نشان داده است که سران جمهوری اسلامی کوچکترین حلاله ای به گام گذاردن در راه ایجاد این امکانات حدارند. تخریب مستقیم آموزشی کشور و از جمله آموزش عالی در سال های اخیر و افت چشمگیر کفیت آموزش در کشور ما به خودی خود نشانگر تفکر حاکم بر رژیم جمهوری اسلامی و حرکت آن در آینده است. روزنامه "کیهان" در ارزیابی از وضعیت سیستم آموزشی کشور، این پدیده را چنین ارزیابی می کند:

"عدم هماهنگی و وجود شکاف بین نظام آموزشی و نیاز بازار کار، يك تنگنای جدی است و این مسئله در ساختار اشتغال کشور اثرات نامطلوبی بر جای گذاشته و نیروی انسانی را در بخش های مهم اقتصادی ناکار و سطوح مهارتی را تنزل خواهد داد".

عدم امکان دست یابی سالیانه نزدیک به ۶۰۰ هزار تن از جوانان کشور به امکانات آموزش عالی نیروی عظیم اجتماعی را که می تواند در باز سازی اقتصادی کشور نقش جدی ایفا کند به هرز داده و بر مشکلات و بحران های اجتماعی کشور ما مرتباً می افزاید.

اوضاع سیاسی-اجتماعی

سال ۱۳۷۰ شاهد گسترش ابعاد برخوردها و تنش ها در درون و بیرون حاکمیت جمهوری اسلامی بود. بکارگیری دادگاه ویژه روحانیت و احضار و محاکمه چند تن از مخالفان سرشناس گروه رفسنجانی-

خامنه ای در این دادگاه نشانگر گسترش اختناق به درون و بیرون حاکمیت بود. طبرقم این ترفندها بر خوردها و تنش ها با نزدیک تر شدن تاریخ انتخابات مجلس شورای اسلامی و تلاش گروه رفسنجانی - خامنه ای در حذف گروه مخالف اوج تازه ای پیدا کرد.

مخالفت بخش عمده ای از روحانیون سرشناس "خط امام" با اوامر "ولی قته" و به زیر سوال رفتن اصل "ولایت قته" که در سخنرانی های رسمی و روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی انعکاس یافت، دور تازه ای از بر خوردها در درون جمهوری اسلامی را آغاز کرد. انعکاس این بر خوردها به همراه تشدید بحران اقتصادی و فشار شدید اجتماعی بر زندگی میلیونها انسان، وضع انضباط آمیزی در جامعه بوجود آورده که تبلور آن را می توان در اوج گیری اعتراضات پراکنده، تظاهرات موضعی، اعتصابات کارگری، از جمله اعتصاب کارگران نفت و مطمان، به همراه بر خوردهای مکرر ارگان های سرکوبگر رژیم با دانشجویان، مشاهده کرد. عدم توانایی گروه حاکم در مهار کردن این روند نشانگر آغاز دوران کفیتا جدیدی در حیات جمهوری اسلامی است. همه شواهد و قرائن از حد تر شدن این بر خوردها و تمیق این بحران حکایت می کنند.

آنچه مسلم است اینست که این روند يك پروسه تدریجی است. بنظر ما بعید است که جناح غالب، قادر گردد در يك حرکت کودتایی کلیه سران سرشناس مخالف را از صحنه سیاسی حذف کند.

اگر جناح رفسنجانی - خامنه ای حتی قادر گردد بخشی از این نیروها را از مجلس حذف کند وجود این طیف نظری و هواداران آن در ارگان های مختلف از سپاه گرفته تا ادارات دولتی مانع يك دست شدن جمهوری اسلامی آنطوری که خواست رفسنجانی و شرکا است خواهد بود.

آنچه که در این روند برای نیروهای مخالف رژیم قابل توجه است روند روگردانی وسیع توده ها، حتی گروه های مذهبی از رژیم حاکم است. دیگر کمتر کسی را می توان سراغ دافت که به قول ما و اداهای سران حاکم باور دافته باشد. این واقعیت در سخنان رفسنجانی در سالگرد انقلاب و سخنان "ولی قته" پیرامون خطری که انقلاب را تهدید می کند به روشنی مشهود است. سخنان حجت الاسلام روحانی دبیر شورای امنیت ملی در پرسش و پاسخ با طلاب و روحانیون قم به روشنی این نگرانی را بیان می کند.

"انتخابات دوره چهارم مجلس بخاطر مسایل سیاسی- اقتصادی موجود بسیار حساس است... بخاطر مضللات اقتصادی کشور بار سنگین سیاسی و نیز فشارهای فرهنگی دشمنان لازم است مجلس چهارم با اطاعت از مقام رهبری و حمایت از دولت به حل مشکلات کشور بپردازد... اگر افراد ناصالح به مجلس بروند می توانند مشکل و قته انگیزی درست کنند یا اینکه تورم را دامن بزنند و پاس در مردم ایجاد

همچنان به مقابله با عامل ترمز کننده سد راه ایجاد ائتلاف وسیع نیروهاست.

بنظر ما برخوردی از این دست و یا تلاش برخی از نیروها در حذف سایر نیروهای اپوزیسیون از صحنه سیاسی، جز به هدر رفتن نیرو و ائتلاف وقت نمی تواند باشد. تاریخ اخیر کشور ما نشان داده است که هیچ نیروی سیاسی را نمی توان به ضرب "قلم" و یا "شلاق" و "اقدام" از صحنه مبارزه خارج کرد. وجود نظرات و اندیشه های مختلف و تقابل این نظرات در فضای سالم و با فرهنگ تمدن در چارچوب های پذیرفته شده انسانی تنها راهی است که می تواند نیروهای مخالف رژیم جمهوری اسلامی، که هر کدام در چارچوب های مختلف فکری - فلسفی با مسایل ایران و جهان برخورد می کنند، را در کنار هم نشاناند و زمینه های عینی و ذهنی لازم را برای ایجاد یک جبهه ائتلافی وسیع، شامل همه نیروهای طرفدار دموکراسی و آزادی، ایجاد کند. به گمان ما وقت آن رسیده است که بدور از بزرگ بینی ها و یا پدیی های انحصار طلبانه به سایر نیروها، دور هم جمع شویم و راه مبارزه متحد فردا را بکشاییم.

تجربه ده سال اخیر نشان داده است که مشکل، بودن و یا نبودن این یا آن حزب و گروه در این و یا آن نشست و یا گفتگو نیست، بلکه مشکل، نیاز مبرم همه نیروها به تغییر بنیادین نگرش یکسو گرایانه، در برخورد به مسایل بفرنجی است که رویروی تک تک ما قرار دارد.

سازمان ها، احزاب و گروه های سیاسی ایران هر کدام تاریخ و برنامه مشخص خود را دارند و مردم کشور ما به موقع خود پیرامون تک تک آن ها قضاوت خواهند کرد. هیچ نیروی سیاسی نمی تواند با نفی تاریخ مبارزاتی گروه دیگر حقانیت آنها را خدشه دار کرده و یا حقانیت خود را به اثبات برساند. تنها ثمره چنین برخوردهایی استفاده تبلیغاتی جمهوری اسلامی برای گسترش پذیر پدیی پیرامون همه نیروهایی است که صادقانه در راه تحول کینی جامعه، آزادی و دموکراسی در کشور ما مبارزه می کنند.

تاریخ مسلما به پیشروی خود ادامه خواهد داد. تأثیر ما بر رویدادها بستگی به اثر بخشی و توان ما در این لحظات مشخص و حساس تاریخی دارد. سرکوب وسیع نیروهای مترقی و نیروهای مخالف رژیم در سال های اخیر و ادامه جو سرکوب و خفقان سبب شده است که هیچکس از نیروهای اپوزیسیون به خودی خود قادر نباشند تا به مقابله رو در رو با رژیم پرداخته و آنرا از صحنه بدر کنند.

خلاصه کلام؛ تا هنگامیکه ائتلاف وسیع نیروها شکل نگرفته و به یک نیروی عظیم مادی و منوی در جامعه بدل نگردیده تصور بهبود اوضاع و تحول از بالا به مشابه یک روند خود بخودی بسیار بعید و حتی غیر ممکن می نماید.

فخصیت های مترقی و مجامع بین المللی محکوم گردید. محاکمه و شکنجه مخالفان و از جمله تنها به خاطر ارسال یک نامه اعتراضی به رئیس جمهور و یا اعدام مخالفان سیاسی تحت پوشش "قاچاقچی مواد مخدر" و کشتار مبارزان بلوچ و گرد بنام "افسران" در سال گذشته در سرتاسر کشور ادامه یافته است.

ایران از جمله محدود کشورهای جهان است که بر اساس گزارش مجامع بین المللی هیچگونه بهبود جدی در وضعیت حقوق بشر در آن ایجاد نگردیده است.

سر و صدای فراوان رژیم برای بازگشت میلیونها ایرانی مهاجر و مانورهای مختلف رژیم پیرامون اعلام قریب الوقوع "ضو عمومی" و ارسال هیئت های مختلف برای مذاکره با مهاجران خارج از کشور هیچ امکان جدی نویی را برای بازگشت میلیون ها نیروی متخصص و دگراندیش به کشور فراهم نیاورد. بازگشت به ایران در صورتیکه دگراندیشان قول عدم فعالیت سیاسی داده و عقاید خود را در سینه مدفون کنند به شکل گسترده تری امکان پذیر گردید. ولی ادامه شیوه های تروریستی رژیم علیه مخالفان و از جمله ترور دکتر پختیار و پرومند در سال گذشته نشان داد که حربه اختناق و بر خورد فیزیکی با مخالفان همچنان شیوه عمده برخورد با مخالفان سیاسی است و حرف بر سر رفرم مانند سایر مانورهای حکام جمهوری اسلامی تنها در چارچوب برنامه های کوتاه مدت برای تثبیت پایگاه حکومتی شان است و نه اعتقاد این نیروها به تغییر روش و شیوه حکومتی.

نیروهای اپوزیسیون

و

تحولات در کشور ما

تحولات سریع و جدی کشور در سال گذشته اثرات معین و عینی بر نیروهای اپوزیسیون برجای گذارده است.

ما در سال ۱۳۷۰ شاهد رشد تمام نسبی و بهبود جو موجود بین نیروهای سیاسی و ایجاد زمینه های جدی تر برای کار مشترک و وحدت عمل بودیم. این حرکت های نوین و تلاش ما اگر چه که هنوز با نتایج مشخص و مثبتی رویرو نگردیده است ولی این خوش بینی را ایجاد کرده است که در صورت تمیق این روند امکانات جدیدی در راه ایجاد ائتلاف بزرگ ملی پدید آید.

مشکلاتی که به گمان ما هنوز بر سر راه این روند پا برجاست، ادامه پیشداوری های گذشته و برخوردهایی است که با جهان امروز و تحولات سال های اخیر در سرتاسر جهان هیچگونه قرابتی ندارد. ادامه برچسب زنی و تهمت هایی از قبیل "وابسته" و "جاسوس" و... به نیروهای سیاسی و از جمله حزب ما حکایت از عقب ماندگی ای می کند که متأسفانه

کنند. نباید مشکلات مجلس های گذشته تکرار شود باید از تجارب گذشته استفاده کرد... این انتخابات سرنوشت انقلاب را تعیین می کند... ("کیهان" - ۱۳ اسفند ۱۳۷۰).

خلاصه کلام؛ گروه حاکم به فکر خلاص شدن از دست افراد "مزاحم" و "نا صالح" است. فشار رفسنجانی و قنای خامنه ای پیرامون نقش شورای نگهبان در مورد نظارت این شورا بر انتخابات همگی زمینه ساز دور جدیدی از سرکوب دگراندیشان این بار در میان نیروهای مذهبی است.

علیرغم اوج گیری این اختلافات، افتباه خواهد بود اگر تصور شود که یکی از این جناح های در گیر واقعا طرفدار اصلاحات عینی و مردمی در کشور ما است. صلکرد هر دو جناح در ۱۲ سال گذشته و دست دافتن همه آنها در سرکوب وسیع دگر اندیشان و حضور چهره های سرشناس هر دو جناح در مقامات کلیدی مملکتی در سال های گذشته به وضوح ماهیت کلیه این نیروها را برای مردم مهین ما روشن کرده است. استفاده این یا آن جناح از شمارهای مردمی در مقاطع مختلف تنها برای استفاده های تبلیغاتی و جهت بسیج نیرو علیه جناح دیگر بوده است. خطر آنجاست که این تصور پیش آید که با پیروزی یک جناح بر جناح دیگر اوضاع کشور رو به بهبودی پیش خواهد رفت و یا رفرم های اجتماعی - اقتصادی در کشور ما آغاز خواهد شد.

تجربه کشور ما و کشورهای دیگر در منطقه بارها نشان داده است که حذف نیروهای مخالف و یک دست شدن حاکمیت های استبدادی معمولا به تشدید اختناق و تمیق بحران در این کشورها منجر خواهد شد. تجربه انقلاب بهمن و حذف نیروهای دگر اندیش پس از سالهای اول انقلاب، تجربه عراق، مصر، سودان و ترکیه در دوران حکومت ژنرال ها همه مؤید این نظر است. بهترین نتیجه این برخوردها برای مردم کشور ما تضمین نیروهای ارجحی در کل و خصوصا در هیئت حاکمه کنونی است. تنها با تضمین هیئت حاکمه است که می توان با ایجاد فشار از پایین، بالایی ها را وادار به عقب نشینی و پذیرش رفرم کرد.

ادامه سرکوب آزادی ها

حقوق دموکراتیک

سال ۱۳۷۰ علیرغم ادعاهای مختلف سران رژیم و به گواهی گزارشات و اسناد مختلف سازمان های جهانی حقوق بشر و از جمله گزارش اخیر آقای گالندوبل، فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، سال ادامه سرکوب و ترور و اختناق در کشور ما بود.

جمهوری اسلامی مانند سال های گذشته، همچنان در صف مقدم کشور هایی قرار داشت که در آن اقدام های گسترده و سرکوب وسیع دگر اندیشان رایج بوده است و مجددا توسط

در مطبوعات مجاز

زنده باد "ولایت فقیه"!

تمدن خمینی یعنی عشق با شکم خالی
تمدن امام خمینی، همه زندگی و مخلفات آن را با یک تار موی "عشق ورزی و آرمان داری" تاخت نمی زند".
("کیهان" - طلبه و دانشجو - آذر ۷۰)

فرهنگ سیاسی همراه با شلاق

"حمده ترین محور برای یک کشور انقلابی، بخصوص اگر معتقد به زیربنا بودن فرهنگ هم باشد، سیاست فرهنگی لازم است. منتها ما خیلی مسلح به این سلاح نیستیم. ما بیشتر دارای فرهنگی سیاسی هستیم تا سیاست فرهنگی و آثار شوم آن گرچه در همین برهه از زمان مشهود است ولی صحت فاجعه در سالهای بعد مشخص خواهد شد. بیائید باور کنیم که سید صدرصد بسیاری از دختران و پسرانی که ما می گیریم و به منکرات می بریم زهر بیست سال هستند و وقتی انقلاب شد کودکی پیش نبودند، آیا واقعا معتقدیم که با شلاق مفضل حل خواهد شد؟"
("کیهان" - گفتگو با قاسمی فرست - آذر ۷۰)

غرب کجا ما کجا؟!

"این اعتقاد را باید تقویت کرد که تکنولوژی مقوله ای جدا از فلسفه و متافیزیک است. ما از نظر مسائل اعتقادی و فقه به قدری جلو هستیم که غرب توان درک ما را ندارد".
(("کیهان" - سمینار وحدت حوزه و دانشگاه - آذر ۷۰)

نسخه قضاہتی برای بیماران

"حرق فقر و برگ برداری را با هلیه فروتنی گردکن و همه را در ظرف یقین بگذار و آتش هم زهرش روشن کن، با صافی مراقبت در جام رضایش بیالای و آن را با جرهه توکل بیامیز و با دست صدق بگیر و در صراحی استغفارش بنوش، پس از آن به آب زهد مزموه کن و خود را از آز و طمع محفوظ بدار، انشاء الله خدا شفایت دهد".
(("کیهان" - آذر ۷۰)

میهمانی قضاہتی

"دادسرا با برگزاری هیچگونه میهمانی مخالفتی ندارد، ولی چنانچه غیرمسلمین این گونه جلسات را تشکیل بدهند تا وقتی که در درون منزل خودشان باشد و سر و صدای آن به خارج از منزل سرایت نکند و تظاهر به آن نکنند کسی دخالت نمی کند. اما، چنانچه سر و صدای آنها به خارج از منزل سرایت و موجبات مزاحمت مردم را فراهم کند، ماموران انتظامی اقدامات لازم را انجام خواهند داد".

(اطلاعات - از مصاحبه معاون دادستان تهران - بهمن ۷۰)

حتی یک نفر!

"ما در زندانهای کشور یک نفر زندانی عقیدتی نداریم و این موضوع اتهامی پیش نیست".

(رسالت - یزدی در نماز جمعه - آذر ۷۰)
- رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی که دروغ نمی گوید! مساله پیش از یک نفر است.

"انترناسیونالیسم اسلامی"

چه زود به بن بست رسید!

حجت الاسلام احمد خمینی که چنانکه معلوم است صد دہتار داده و وسط خلاف ملا خوابیده است، به منابه یک کارشناس تمام حیار در همه رفته های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، همواره درباره سیاست های داخلی و خارجی حکومت جمهوری اسلامی مطالبی را تقریر می کند و هیچ روزی در دہتار با آفتاب مختلف مردم از طرح و تحلیل مهمترین مسایل سیاسی روز غافل نمی ماند. روزی که پیروزی مسلمانان الجزایر در انتخابات آن کشور اطلاع شد وی درباره اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی سخنان مبسوطی ایراد کرد و از جمله درباره "انترناسیونالیسم اسلامی" و در واقع "صدور انقلاب اسلامی" صریح و بی پرده چنین گفت:

"این پیروزی را پیروزی همه مسلمانان جهان می دانیم زیرا قابل به انترناسیونالیسم اسلامی هستیم... از نظر صدور انقلاب و روشن کردن نسل های انقلابی و ایجاد هسته های مقاومت در تشکیلات اسلامی انقلابیون نباید قدمی کوتاه بپاییم. اسلام مرز ندارد و برای برپایی حکومت اسلامی و اجرای حدود الله ما سر از پا نمی شناسیم و هدف جمهوری اسلامی و مسولین آن چیزی جز برقراری حکومت جهانی اسلام نیست. دنیا باید بداند که هدف انقلابی ما برپایی اسلام در مرحله اول در کشورهای اسلامی و پس از آن در جهان است..."

فته بعد که معلوم شد "برپایی حکومت اسلامی و اجرای حدود الله" حتی در کشور اسلامی الجزایر خوش خیالی ابلهانه ای پیش نیست و دولت الجزایر به دخالتهای بیجای حاکمان جمهوری اسلامی در امر داخلی آن کشور اعتراض کرد و کار به قطع رابطه میان دو کشور کشید، دکتر حبیبی، معاون اول رئیس جمهوری، اتهامات دولت الجزایر را یک دروغ بزرگ خواند و در توضیح مطلب آن سوی نوار را گذاشت ("اطلاعات" - آذر ۷۰).

"اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر استوار است و همان گونه که به کشورهای دیگر اجازه نمی دهیم در امور داخلی ایران مداخله کنند خود نیز در مسایل کشورهای دیگر مداخله نمی کنیم... اتهامات دولت الجزایر یک دروغ بزرگ است و بیشتر هدف جنجال آفرینی

برای رسیدن به "حوض کوثر"

آیت الله امامی کاشانی در یکی از خطبه های نماز جمعه ("اطلاعات" - آذر ۷۰) پس از تاکید بر انتخاب ملت ایران و اشاره به "جوانان، که از همین شور و اخلاص ها جان گرفتند و آن حماسه ها را ایجاد کردند"، افزود:

"این انتخاب باید آن قدر ادامه یابد که ما بتوانیم به حوض کوثر برسیم و برای رسیدن به این حوض باید عمل کنیم و قسط شمار ندیم".

آیت الله فرست نکردند توضیح دهند که پس از رسیدن به حوض کوثر باید چه کار کرد و از آنجا به کجا باید رفت؟ و در ثانی حتما چون "حوض کوثر"، استخر و دریا و یا مثلا اتیانوس نیست، کمبود جا باعث خواهد شد تا داوطلبان ورود در یک آزمون "قضاہتی" هم شرکت کنند.

مطبوعات اتحاد شوروی سابق
پیرامون جمهوری های آسیای میانه

حدود و ثغور اسلام

جمهوری های سابق شوروی در آسیای میانه به کجا خواهند رفت؟

میانه از کشورهای مشترک المنافع و ایجاد گروه بندی که اصولاً وضع ژئوپلیتیک را در منطقه تغییر دهد، دنبال می شود. چنانچه این جمهوری ها از برادران اسلاو خود جدا شوند و دقیقاً سمت گبری نوع ترکیه را ندافته باشند، عملاً ایجاد هرنوع "اتحادیه اسلامی" با شرکت آنان احتمال حضور نقش برتر رزم های اسلامی در درجه اول ایران، سپس پاکستان و در آینده حتی افغانستان را شدت می بخشد.

نظایر این چنین مناظری به طور آشکار رزم های متدلل اسلامی را در کشورهای عربی که به طور سنتی با ایران در رقابت هستند و نوعی هراس نسبت به ترکیه دارند، نگران می سازد. جامه کشورهای عربی تصمیم دارد فاصله به پروسه های آسیای میانه بپردازد و از جمله مانع آن شود که این جمهوری ها به پستمر رادیکالیزم اسلامی درغلطند. درهای سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی که نمایندگان رزم های متدلل عربی در آن اکثریت دارند به روی این جمهوری ها باز است. تاکنون آذربایجان به این سازمان پیوسته و درسال آینده انتظار می رود قزاقستان نیز به آن بپیوندد. برای بالا بردن سطح دانش مذهبی در آسیای میانه مبلغان سرشناس اسلامی از قاهره و دیگر پایتخت های عربی اعزام می شوند و امکان اجرای طرح های اقتصادی مشترک و واگذاری اعتبارات بررسی می شود.

کشورهای عربی برخلاف ترکیه و ایران می توانند در آسیای میانه علاوه بر تاثیر مذهبی و فرهنگی، تاثیر اقتصادی نیز داشته باشند. ولی به علت بدمسافت و دوری آنها امکان تشکیل اتحادهای محکم سیاسی و نظامی - سیاسی وجود ندارد. از این رو امروز اصرار تلاش می کنند مانع کشاندن شدن جمهوری های آسیای میانه به اتحادیه های جدیدی بشوند که وضع ژئوپلیتیک منطقه را دگرگون می سازد.

دنیای اسلامی - یک دست نیست. انواع مذاهب در آن به چشم می خورد. ورود جمهوری های آسیای میانه به این دنیا باید با رعایت سیستم مناسبات موجود و عدم تقویت اردوگاه رادیکال ها باشد. در غیر این صورت نه به نفع بخش اسلاوهای کشورهای مشترک المنافع و نه به نفع غرب. فعلاً شکوفا خواهد بود.

خودمختاری های مسلمان نشین روسیه فدراپو جزو گروه ترک زبانان به شمار می آید. عرصه فعالیت ایران اساساً منحصر به تاجیکستان، آستین و استان هایی که کردنشین و یا ایرانی نشین هستند، می شود. در عوض ایران با تکیه بر مذهب تشیع امکانات نسبتاً مناسبی برای "برادری" با آذربایجان دارد.

به طور کلی به نظر می رسد که هم آنکارا و هم تهران با دوری جستن از طرح های خشن سعی دارند که مواضع خود را در همه کشورهای مسلمان آسیای میانه تحکیم بخشند. عملاً مسئله اعزام مشاوران نظامی و غیرنظامی ترکیه به برخی جمهوری های آسیای میانه فاصله بررسی می شود. ضمناً دولت آنکارا سعی کرده است کشورهای اروپایی را متقاعد سازد که کمک های اقتصادی و انسان دوستانه را به این جمهوری ها از طریق ترکیه انجام دهند ولی به قرار معلوم این ایده هنوز مورد پشتیبانی قرار نگرفته است. اما موافقت هایی درباره گسترش ارتباطات تلفنی و اسپوتنیک بین جمهوری های آسیای میانه و ترکیه و تشکیل بانک های مشترک به دست آمده است. پناهبه گفته دمیرل، سال ۱۹۹۲ دورگماهای فوق العاده ای برای نفوذ ترکیه در آسیای میانه فراهم می سازد.

تهران نیز در این اواخر به سخت کوشی نادری با راه انداختن کارزار تبلیغاتی دست زده است. عملاً هم زمان طبع "اقتصادی ملحق سازی" آسیای میانه چه از طرف ترکیه (حامل ایالات متحده آمریکا) و چه از طرف روسیه تبلیغ می کند. رادیو تهران برادران مسلمان را دعوت می کند که به کتابت عربی - به "منبع فرهنگ خود بازگردند". تهران متعهد شده است در ساختمان راه آهن بین آذربایجان و نخجوان از طریق ایران کمک کند (که نیازی به بخشی از راه که از ارمنستان می گذرد نباشد). انتظار می رود بانک ایرانی در باکو گشایش یابد.

بخش سیاستمداران متدلل تر در تهران برنامه همکاری "شیر تقابل آمیزی" را در نظر دارند که به موجب آن جمهوری های آسیای میانه به تدریج از شرکای سابق اسلاوهای خود جدا شوند و در ابتدا اقتصاد آنان را با سازمان موجود همکاری اقتصادی ترکیه، ایران و پاکستان (اکو)، پیوند دهند. این طرح را در آنجا "بازار مشترک اسلامی" نام گذاشته اند که گویا پس از تشکیل باید با بازار مشترک اروپا به رقابت بپردازد.

همان طور که دیده می شود در همه طرح ها ایده جداسازی جمهوری های آسیای

می گویند در ترکیه همه چیز هست. و خدا را شکر. اما مسئله جالب این است که رهبران دولت های ما در آسیای میانه هرچه بیشتر این حلاکتندی را نسبت به آن کشور از خود نشان دهند. به همان نسبت برادران اسلاوهای در اتحاد نو کشورهای مشترک المنافع و همراه آن با آنها حرب شکوفا، نیز می توانند آرام تر بخرینند. زیرا جمهوری های سابق شوروی در آسیای میانه که پتیم شده اند ناگهان، به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مقابل انتخاب بسیار محدودی در رابطه با دورگماهای رشد خود قرار گرفته اند.

در آنجا بسیاری از اشخاص این طور فکر می کنند که بر فرض حرب به اسلاوهای ها کمک کند، چه کسی به آنها کمک خواهد کرد؟ به اتکاء واقعیات نوسپاسی، از قبیل حامل روهه رشد اسلام در تاریخ هزارساله و مناسبات ژئوپلیتیک در منطقه، به این نتیجه می رسد که یا ترکیه و یا ایران. اگر مسئله را بازتر به شکافیم به این دو شق می رسمیم.

- مدرن کردن اجباری زندگی ضمن حفظ خصلت خیریندهی حکومت با رعایت اسلام متدلل (نوع ترکیه)؛

- یا اسلامی کردن تمام زندگی (نوع ایرانی).
به نظر می رسد که برتری نوع اول بی تردید است.

رئیس جمهور ازبکستان، کریم نیز به زبان ترکی صیبح تقریباً به طور رسمی سوگند می خورد از راهی خواهد رفت که آنکارا رفته است. رئیس جمهور قزاقستان نیز تجربه ترکیه را خاطر نشان می کند. مطبوعات عربی می نویسند که نسبت وزیر آذربایجان خواسته است تا ترکیه از منافع آذربایجان در دیگر کشورها (ظاهراً موقتاً) دفاع کند. خلاصه هرچه بیشتر سیاسی ترکیه به معنای "برادر ارشد" نوجوهی های سابق شوروی در آسیای میانه نمایان می شود. برای آنکارا دورگماهای ایجاد "منطقه نفوذ در آسیای میانه" که برخی از آن جولانه به معنای "امپراطوری نوهستانی" نام می برند. به وضوح نمایان می گردد.

البته این دورگماهای جالبی برای همسایگان اسلاو است. ولی باید اتراف کرد که این هنوز بدترین وجه ممکن نیست. امکان دیگر - یعنی رادیکالیزه شدن - طبق نمونه ایرانی آن، حتی بخشی از میراث اسلامی شوروی سابق که بنابه ارزیابی های متفاوت از ۵۵ تا ۷۰ میلیون مسلمان در آنجا به سر می برند، به مراتب کمتر جالب خواهد بود. امتراز از چنین چیزی کاملاً مقدور نیست، زیرا قاصداً محروم ترین اقشار در کشورهای خاور همواره نسبت به ایده های اسلام رادیکال و یا نوع افراطی آن حلاکتندی نشان می دادند. در صورت موفقیت تهران در برنامه های خود، منطقه نفوذ ایران در آسیای میانه بوجود می آید. حتی امکان در محدوده امپراطوری سابق ایران.

به نظر می رسد که آنکارا و تهران به طور جدی در مبارزه به خاطر نفوذ در آسیای میانه درگیر شده اند. تلاش آنان قبل از هرچیز متوجه مناطقی است که زبان های مربوطه (ترکی و فارسی) در آنجا رایج است. و نیز مواضعی که پیروان مذهب سنی (ترکیه) و شیعه (ایران) در آنجا سکونت دارند.

از نقطه نظر زبان، آینده ترکیه در این رقابت به مراتب بیشتر جلب توجه می کند، اکثر لهجه های ازبکستان، قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان، قرقیزستان و

کشتی همبستگی به مقصد رسید!

در تاریخ ۲۷ ژانویه، در حالی که ۵ هزار نفر برای خوش آمد گویی تجمع کرده بودند، کشتی "پامیا د کاردناس" با صدها تن دارو و مواد اولیه ساخت آن در بندر ماوانا لنگر انداخت. ۲۷ سازمان و حزب از ۱۸ کشور اروپایی از جمله حزب کمونیست آلمان مجموعاً مبلغ یک میلیون دلار بدین منظور فراهم کرده بودند. از جمله این کمک‌ها همچنین می‌توان از ۴۰۰ تن کاغذ و وسایل چاپ (امدایی سندیکای چاپ گران فرانسه وابسته به ث.ژ.ت) نام برد.

سرگور کوری، رئیس موسسه کوبایی دوستی خلق‌ها در یک سخنرانی از تمامی زنان و مردانی که به حق حیات خلق کوبا احترام می‌گذارند تشکر کرد. او تأکید نمود که "امروزه پشتیبانی از کوبا به معنای دفاع از تمدن علیه بربریت و از عقل سلیم و حق خلق‌ها در مقابل زور و تجاوز است. این وسیله مناسبی برای تحکیم بنیادهای جهان است، بنیادهایی که پرزوی آنها جهان فردا نظم می‌یابد."

وارژین فراموش شده جنگ

حدود ۵ میلیون آواره افغانی وارژین فراموش شده جنگ سرد به حساب می‌آیند. این تعداد بزرگترین گروه آوارگان و فراریان در دنیا هستند.

۱۲ سال پس از شروع خونریزی در این کشور و ۲ سال پس از خارج شدن تروی شوروی از افغانستان، این آواره‌ها کمالاتی سابق به زندگی پر مشقت خود، با حداقل امکانات زیستی در اردوگاه‌ها و روستاهای عقب افتاده و غیرآماده برای پذیرش چنین تعدادی در ایران و پاکستان ادامه می‌دهند.

موضوع بازگرداندن این فراریان به وطن همچنان مساله ای جدی به شمار می‌رود. اکنون نیز شاهد آن هستیم که طهرم تلاشهایی که کمیسیون پناهندگان سازمان ملل متحد برای بازگرداندن آوارگان انجام داده روند بازگشت به وطن با کندی صورت می‌پذیرد و دور نمی‌آید نیز چندان امیدوار کننده نیست.

در ۱۹ ماه گذشته با کمک این کمیسیون بیش از ۲۰۰۰۰۰ افغانی به کشور بازگردانده شده‌اند و از بقیه تنها تعداد اندکی بر این اعتقادند که بزودی به وطن باز خواهند گشت.

روحه عدم اطمینان به بازگشت نه تنها متاثر از تأثیرات خارجی است، بلکه حل دیگری نیز دارد. گلزار خان، کمیسر پناهندگی در منطقه مرزی شمال غربی پاکستان می‌گوید: "چنین به نظر می‌رسد که طهرم توافق بین گروههای مجاهدین و دولت مرکزی کابل، هنوز نمی‌توان سخن از آن گفت، که این آوارگان در صورت بازگشت با تأمین مناسب و امنیت نسبی بتوانند زندگی را از سر گیرند."

واقعیات گریهای آنست که اظهارات گلزار خان چندان هم بی پایه و اساس نیست، چرا که با وجود توافق بین گروههای مجاهدین و دولت مرکزی، اختلافات همچنان به قوت خود باقی است. افزون بر این، وحشتی که سران اپوزیسیون بخاطر از دست دادن نفوذ و قدرت خود در صورت بازگشت آوارگان به وطن دارند نیز، عامل جدی دیگری است که روند بازگشت را کند کرده است.

۶۵ دلار حقوق ماهانه یک دانشمند

بنا به گزارش هفته نامه نیویورک تایمز، ایالات متحده آمریکا برای اولین بار خواهان استفاده از دانشمندان اتحاد شوروی سابق در امر تحقیقات مربوط به همجوشی هسته ای می‌باشد.

نیویورک تایمز در شماره ۶ مارس خود خاطر نشان ساخت که هزینه های ۱۱۶ دانشمند از انیستیتی کورچاتو مسکو، که مربوط به انرژی هسته ای است، در آینده توسط آمریکاییها پرداخت خواهد شد.

نیویورک تایمز می‌نویسد، درحالی‌که هر دانشمند ماهانه مبلغی حدود ۶۵ دلار خواهد بود، در حالیکه بنا به گفته دکتر سیمون از شرکت خصوصی جنرال اتیک، درحالی‌که هر دانشمند مشابه در آمریکا، رقمی بالغ بر میلیونها دلار می‌باشد.

پیام همبستگی احزاب برادر به سومین کنگره حزب توده ایران

پیام همبستگی حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا

رفقای گرامی!

به مناسبت فرصت پیش آمده بسیار پراهمیت در این مقطع از مبارزات حزب شما، حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا بدین وسیله همبستگی پرشور خود را با شما اعلام می‌دارد. ما بزرگترین موقتیت‌ها را برای شما در تحول سیاسی و فعالیت‌هایتان آرزو مندیم و یقین داریم که مبارزات شما سهم شگرفی در دفاع از منافع خلق ایران و در دفاع از دموکراسی، صلح و سوسیالیسم خواهد داشت.

با ابراز همیق‌ترین همبستگی‌ها
کمیته مرکزی حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا
فوریه ۱۹۹۲

پیام تبریک حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا

رفیق علی خاوری صدر حزب توده ایران
رفیق گرامی خاوری

کمیته ملی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا به مناسبت پایان موقتیت آمیز سومین کنگره حزب توده ایران - حزب مارکسیست لنینیست طبقه کارگر ایران و انتخاب شما به عنوان صدر حزب توده ایران، گرم‌ترین درودهای برادرانه خود را تقدیم می‌دارد.

ما مطمئنیم که مصوبات سومین کنگره شما تأثیر ثمربخشی در امر جنبش کارگری ایران خواهد داشت و اثر مهمی در جنبش کمونیستی و کارگری جهان و پروژه خاورمیانه خواهد داشت.

بار دیگر به شما تبریک می‌گوییم و برای مبارزات آتی شما موقتیت‌های بیشتری آرزو می‌کنیم.

با درودهای رفیقانه
کمیته ملی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا
فوریه ۱۹۹۲